

## نگره

## خروج از ذیل بند هفت FATF به چه معناست؟

یکشنبه خبری با این مضمون منتشر شد: کارگروه اقدام مالی با حذف نام ایران از ذیل توصیه شماره ۷ موافقت کرد. رسانه‌های همسو با دولت این اقدام را به عقب‌نشینی اف‌ای‌تی‌اف از تصمیم قبلی خود تعبیر کردند. انتخاب تیتراهای جهت دار با این مضمون که اف‌ای‌تی‌اف با حذف نام ایران از لیست سیاه موافقت کرده، از سوی بسیاری از رسانه‌ها نشان می‌دهد در نبود اخبار خوب، عده‌ای در تلاشند تا خبر خوب را بسازند یا خبرسازی جهت دار نمایند.

## وزیر اقتصاد چه گفت؟

وزیر اقتصاد در برنامه‌ای تلویزیونی در این خصوص توضیحاتی داد و گفت: پس از پذیرش اعتراض حقوقی ایران از طرف FATF، طی ایمیلی به تمام کشورهای عضو اعلام شد که جمهوری اسلامی ایران از ذیل بند ۷ گروه ویژه اقدام مالی خارج شد. وی البته تأکید کرد: رفتار سیاسی و غیرفنی گروه ویژه اقدام مالی (FATF) همچنان درباره ایران باقی است. خاندوزی که چندی پیش سخنانش درباره اینکه دولت روحانی به اشتباه بر مساله اف‌ای‌تی‌اف مانور می‌داد، در توضیحاتی به نقل از یک عضو مجمع تشخیص مصلحت گفت: سال آخر دولت قبل پنج عضو کابینه در مجمع حضور یافته و خاطرنشان کردند که اگر گشایش مورد انتظار دولت در حوزه FATF رخ ندهد، در یکسال آینده قیمت دلار به ۸۰ تا ۱۰۰ هزار تومان افزایش خواهد یافت. وی که در دولت پیشین یکی از منتقدان جدی این موضوع بود، حالا ارسال نامه و خروج ایران از ذیل بند هفت را پیروزی بزرگ و تسهیل در روابط تجاری خوانده و تأکید کرد: با این اقدام، ریسک مرادفات تجاری با ایران کاهش خواهد یافت و به نفع تعاملات بین‌المللی ایران خواهد شد. وزیر اقتصاد درباره اقدام گروه FATF گفت: گروه ویژه دو دسته اقدام علیه ایران انجام داده که یکی لیست سیاه بود که کاملاً ظالمانه و سیاسی بود و ادامه دارد. اقدام دوم هم متکی بر قطعنامه‌های تحریمی علیه ایران بود که در قالب توصیه‌های موسوم به بند ۷ انجام می‌شد و به کشورهای عضو درباره اموال و دارایی‌های ایران توصیه‌هایی می‌شد. وزیر اقتصاد ادامه داد: از مهر ماه با خاتمه یافتن قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل باید این توصیه‌های گروه FATF علیه ایران هم به پایان می‌رسید اما توصیه‌های این گروه در آبان ماه نشان داد که این گروه همچنان محدودیت‌ها علیه ایران را حفظ کرده است و ما اعتراض کردیم. وی خاطرنشان کرد: پس از پذیرش اعتراض حقوقی ایران از طرف FATF، طی ایمیلی به تمام کشورهای عضو اعلام شد که جمهوری اسلامی ایران از ذیل توصیه بند ۷ گروه ویژه اقدام مالی خارج شد.

## دلایل ورود و شرایط خروج از فهرست سیاه اف‌ای‌تی‌اف کدامند؟

کارشناس مجهوربان، کارشناس حوزه مبارزه با پولشویی نیز در کاظم تلگرافی خود توضیحاتی مبسوط ارائه داده و گفته است: پس از اعلام خبر تأیید گروه ویژه اقدام مالی در خصوص عدم شمولیت ایران ذیل توصیه ۷، برخی خبرگزاری‌ها به اشتباه این تیتراژ را انتخاب کردند؛ «خروج ایران از لیست سیاه» و وی تأکید دارد توصیه‌های گروه ویژه، به خصوص با ضبط اقدامات در اطمینان حاصل کنند هیچ وجه با دارایی به طور مستقیم یا غیر مستقیم در اختیار این افراد (یا به نفع آنها) قرار نگیرد. این کارشناس در این نوشتار با طرح این سؤال که نقطه برخورد ایران و گروه ویژه اقدام مالی چیست؟ توضیح داده است: تپیش از این در دو نقطه، ایران در تقابل رو در رو با گروه ویژه قرار داشت. یکی از آنها، توصیه ۱۹ گروه ویژه اقدام مالی است که به موجب آن گروه ویژه از کشورهای می‌خواهد علیه برخی کشورها «اقدامات مضاعف» و علیه برخی کشورهای دیگر علاوه بر اقدامات مضاعف، اقدامات تقابلی نیز انجام دهند. نام ایران از سال ۲۰۰۷ در فهرست کشورهای که باید علیه آنها اقدامات مضاعف و از سال ۲۰۰۹ در فهرست کشورهای که باید علیه آنها اقدامات تقابلی انجام شود قرار داشته است. البته همانطور که همگان مطلع هستند در ژوئن ۲۰۱۶ و متعاقب تعهد سیاسی ایران به اجرای برنامه اقدام پیشنهادی گروه ویژه، ایران موقتاً از فهرست تقابلی تعلیق و به فهرست اقدام مضاعف منتقل شد و در فوریه ۲۰۲۰ این تعلیق برداشته شد. ایران برای خروج از شمول توصیه ۱۹ اقدامات مختلفی انجام داده که از جمله می‌توان به پذیرش برنامه اقدام پیشنهادی و برداشتن گام‌هایی در آن راستا اشاره نمود که پرحاشیه‌ترین آنها موضوع الحاق ایران به دو کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم و مبارزه با جرائم سازمان یافته فراملی (پارامو) بوده است. اما هم‌زمان ایران مشمول یک توصیه دیگر گروه ویژه - یعنی توصیه ۷- نیز بود که کمتر در رسانه‌ها به آن پرداخته شده است. اگرچه شمول این توصیه در ظاهر صرفاً شامل چند شخص حقیقی و حقوقی ایرانی می‌شد، اما در عمل حدود ۲۰۰ عضو شبکه جهانی گروه ویژه (که شامل کشورها و حوزه‌های قضایی مختلفی است) هنگامی که مورد ارزیابی در خصوص اجرای توصیه‌های این گروه قرار می‌گرفتند، در ذیل توصیه ۷ ناگزیر بودند که نام ایران را ذکر کنند. او این موضوع را گامی مثبت و کاهش دهنده ریسک دانسته است. نکته اما اینجاست که بزرگ‌نمایی این اتفاق با واکنش برخی از فعالان و کارشناسان هم‌راه شده است.

## تحقق یک پیش‌بینی

پیش از این ولی... سیف رییس کل اسبق بانک مرکزی در گفت‌وگو با خبرنگارین تأکید کرد که موضوع اف‌ای‌تی‌اف حل شده و دیگر مساله‌ای وجود ندارد و مقامات با پذیرفتن و عضویت در این کنوانسیون مشکلی ندارند. او البته بر این نکته تأکید دارد که در شرایط کنونی این عضویت دیگر کارکرد و ثمری برای ایران ندارد. وی معتقد است فعلاً طرف مقابل در این زمینه ملاحظاتی دارد.

امیررضا واعظ‌آشتیانی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

## استراتژی فرهنگی برای ورزش تدوین نشده است



تکرار حضور برخی کارشناسان

در صداوسیما شائبه بازیگری است

مدیریت کشور سلیقه‌ای و موجی شده است

آرمان ملی - احسان انصاری: ورزش سیاسی یا سیاست در ورزش مسأله‌ای است که مدت‌هاست در جامعه ما مطرح می‌شود و برخی از پشت پرده‌های سیاسی در نتایج مسابقات ورزشی سخن می‌گویند. ورزش ایران به شکل‌های مختلف آغشته به سیاست شده و در برخی از مسائل سیاست تأثیر زیادی در مسابقات ورزشی از خود به جای می‌گذارد. به همین دلیل «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی پشت پرده ورزش سیاسی در ایران با امیررضا واعظ‌آشتیانی، مدیرعامل پیشین باشگاه استقلال گفت‌وگو کرده است. وی معتقد است: «ما هنوز نتوانسته‌ایم برای ورزش خود استراتژی مناسب در نظر بگیریم. دلیل اصلی این مسأله نیز مدیریت سلیقه‌ای و موجی بوده است. منظور من از مدیریت موجی این است که هر مدیری که در یک سازمان روی کار آمده به صورت موجی از نزدیکان آشنایان خود استفاده کرده و مدیر بعدی که روی کار آمده این موج اول را کنار زده و موج جدیدی از مدیران را به کار گرفته است.» در ادامه محصل این گفت‌وگورا می‌خوانید.

### سیاست به چه میزان در ورزش مداخلت دارد؟ پشت پرده ورزش به چه میزان به سیاست ارتباط پیدا می‌کند؟

ورزش در هیچ کجای جهان از سیاست جدا نیست. این وضعیت درباره جامعه، فرهنگ و اقتصاد نیز وجود دارد و ورزش با همه این زمینه‌ها به شکل‌های مختلف در ارتباط است. به همین دلیل سخن برخی که عنوان می‌کنند ورزش باید از سیاست جدا باشد دارای ابهام است. این افراد باید منظور خود را مشخص کنند که آیا سیاسیون نباید در ورزش حضور داشته باشند و یا اینکه سیاست نباید در ورزش دخالت داشته باشد. بنده هم با ورود افراد غیرمتخصص سیاسی که دارای توانایی مدیریت ورزشی نیستند موافق نیستم. با این وجود نمی‌توان دور ورزش را دیوار کشید و عنوان کرد که کسی حق ندارد وارد ورزش شود. ورزش به صورت زنجیروار به فرهنگ، سیاست و اقتصاد متصل است و هم افرادی از این بخش‌ها وارد ورزش می‌شوند و هم اینکه از بخش ورزشی افرادی وجود دارند که وارد بخش‌های دیگر می‌شوند. در گذشته افرادی وجود داشتند که از حوزه ورزش وارد حوزه سیاست شده‌اند. در نتیجه ورزش و سیاست در یک ارتباط متقابل با یکدیگر قرار دارند.

### یکی از مهم‌ترین مسابقات ورزشی‌ای که در کشور ما برگزار می‌شود و از گذشته تاکنون شائبه‌های سیاسی درباره آن مطرح می‌شود شهروارد پرسپولیس و استقلال است. چرا این مسابقه تا به این اندازه دارای شائبه‌های سیاسی است؟

بنده در دورانی که مدیرعامل باشگاه استقلال تهران بودم چنین مسائلی را درک نکردم و هنوز هم معتقدم این مسابقه سیاسی نیست. نمی‌توان تصور کرد که هنگامی که توپ یک بازیکن به تیرک دروازه اصابت می‌کند به صورت تعمدی بوده است. به نظر من دلیل اصلی چنین شائبه‌هایی به تأکیدی مربیان هر دو تیم بازی می‌گردد. مربیان این دو تیم در این بازی با تأکید محتاطانه وارد زمین می‌شوند و به همین دلیل این بازی از کیفیت اصلی خود دور می‌شود و تماشاگران از دیدن یک بازی هیجانی و پرافت و خیز محروم می‌شوند. در نتیجه سیاسی جلوه دادن این بازی هیچ دلیل موجه و محکمه پسندی ندارد. بنده در ۴ دربی مدیرعامل استقلال بودم و از نزدیک با حواشی این بازی آشنا هستم. در طول این مدت نیز هیچ مسأله‌ای درباره سیاسی بودن این بازی مشاهده نکردم.

### اغلب دربی‌های جهان دارای پیشینه تاریخی و فرهنگی و سیاسی است. به عنوان مثال دربی اسکاتلند بین کلاسکو و منچستر و سلتیک که جنگ بین کاتولیک‌ها و پروتستان‌هاست یا در اسپانیا که بارسلونا منطقه جدایی طلب کاتالونیا را در مقابل حکومت مرکزی نمایندگی می‌کند. آیا نمی‌توان در پشت پرده شهروارد تهران شائبه‌های سیاسی مطرح کرد؟

ما باید این نکته را بپذیریم که ورزش فوتبال در حال تبدیل شدن به یک استعمار است. در شرایط کنونی در پشت پرده فوتبال جهان مسائل سیاسی وجود دارد و در این مسأله که فیفا اجراکننده برنامه‌های سیاسی برخی از کشورهاست هیچ شکی وجود ندارد. به همین دلیل در شرایط کنونی فوتبال به ابزاری برای نوعی استعمار نرم تبدیل شده است. این استعمار دارای جنبه فکری و فرهنگی است. به عنوان مثال خالکوبی برای اولین بار در کشورهای غربی صورت گرفت که در نهایت

### چرا ورزش ما که روزی شعارش ورزش مکتبی بود در

سده شنبه  
۱۴۰۲ • ۱۱ • ۰۳  
۱۱ رجب ۱۴۴۳ / ژانویه ۲۰۲۴

سال پنجم  
شماره ۱۷۵۳

armanmeli.ir

## یادداشت

## بازارندگی یا واردندگی؟



کیومرث اشتریان  
استاد دانشگاه

برای یک ناظر در «آزمایشگاه» علوم سیاسی پرشش این است که آیا شلیک موشک به عراق، سوریه و پاکستان با هدف بازدارندگی است؟ پرشش مهمی که برای دانشجویان سیاست گذاری دفاعی-امنیتی مطرح است این است که دستاورد این عملیات‌ها چه بود؟ آیا نتیجه این کنش، «بازدارندگی» از جنگ است؟ از منظر غربی-عربی خاطرات امپراتوری ایرانی هنوز زنده است: زنده‌تر از آنچه در ذهنیت ایرانیان است. از چشم‌انداز غربی-غربی، از همان‌گهان که در ده‌هزار سال پیش سورنا، سردار سیستانی ایرانیان، در سوریه و عراق و فلسطین به جنگ با رومیان برخاست این حکایت همچنان ادامه دارد. برخی از ایرانیان، هر چند به شمار اندک، این رویارویی تاریخی را به همین سان تحلیل می‌کنند: «ما حرفتان کهنسال جهان ازلیم- طفل شش روزه عالم ندهد بازی ما». مرور شطرنجی رخداد‌های اخیر از منظر کاربرد نظریه بازی‌ها مفید است. بازی اول: شلیک موشک به عراق و سوریه؛

حرکت یکم: ناامن سازی باب‌المنذب برای آمریکا و اسرائیل در پس زمینه جنگ غزه. حرکت دوم: بمباران یمن به تلافی: «قدرت نمایی» و «اتحاد» آمریکا و انگلیس. حرکت سوم: وزیر خارجه بریتانیا می‌گوید این پیام روشن به ایران بود. حاشیه حرکت سوم- مقامات آمریکایی و انگلیسی بی‌درنگ و به فراوان نام ایران را در کنار یمنی‌ها بکار می‌برند. حرکت چهارم: ایران موشک خود را در ادب و اریبل «آزمایش» کرد. یعنی اگر هدف بعدی ایران باشد موشک‌های ما تا اسرائیل می‌آیند، و دقیق هم می‌آیند. موشک که به نزدیکی طرف بریزد یعنی باسخی به اظهارات وزیر خارجه انگلستان داده‌اید. پیام این است: «نزدید والا می‌زنیم». در استراتژی بازدارندگی معنی «جنگ نکنید» آشکارتر از «جنگ نکنید» است. حاشیه حرکت چهارم: مقامات ایران گفته‌اند امیدوارند «مهاد» فعالیت‌های یمنی‌ها تا پیروزی ادامه پیدا کند. یعنی هدف، توقف حملات به غزه است که می‌تواند امنیت را به دریای سرخ بازگرداند. نتیجه: در تحلیل نهایی ماهیت این بازی، «بازدارندگی» طرفین است. شکل بازی، تا تیکت به مثابه استراتژی است. پیام‌ها تاکنون از هر دو طرف این است «بزی می‌زنم. نرنی نمی‌زنم». بازی‌های بازیگران مرتبط نیز در همین چارچوب قابل فهمند: نخست، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت: «جمهوری اسلامی» همکاری خود با آژانس را محدود کرده و این سازمان را در اختلافات خود با کشورهای غربی «گروگان» گرفته است. اما او افزوده است «دیپلماسی تنها چیزی است که ما به آن نیاز داریم، باید به گفت‌وگو ادامه دهیم و از وخامت اوضاع جلوگیری کنیم». دوم، یک مقام ارشد حوثی‌ها گفته است که مسیر امنی را برای عبور کشتی‌های روسیه و چین از دریای سرخ ضمانت خواهد کرد. با چنین تضمینی ماهیت بازی برای چین و روسیه به سمت مثبت سیر می‌کند. بحران دریای سرخ تهدیدی برای آنها نیست؛ مثبت است. اما گسترش جنگ به ایران برای روسیه بار مثبت بیشتری برای چین بار مثبت کمتری دارد. بازی دوم: شلیک به پاکستان و تغییر چارچوب بازی.

حرکت سوم: گفتارهای تلافی‌جویانه و صلح آمیز طرفین. بازی دوم در چارچوب بازی اول قابل فهم نیست. مگر آنکه آن را در ارتباط با چین تفسیر کنیم، که دور از ذهن است. با شاید اطلاعات پنهان و ویژه‌ای در استراتژی با چین وجود داشته باشد که ما بی‌خبریم و دست تحلیل ذهنی ما هم به دامان آن نمی‌رسد. در هر صورت چارچوب بازی عوض شده است. این بازی دیگریست که در «بازی بازدارندگی» داخل و اغتشاش ایجاد می‌کند. آنگاه که چارچوب بازی عوض شود پرشش‌های دیگری مطرح می‌شود: آیا نتیجه بازی دوم این است که بازی اول را به هم می‌زند؟ آیا «بازدارندگی» را به «واردندگی» تبدیل می‌کند؟ انتخاب‌های از کشورها و ملت‌ها تاریخین کرده است. آیا شلیک موشک به پاکستان در چنین چارچوبی قابل تحلیل است؟ به حسب ظاهر برخی از جنگ‌های بزرگ بر اثر اشتباهات کوچک پدید آمده‌اند برخی نیز بر این باورند که اشتباهات کوچک در واقع تلنگری بوده‌اند بر دو مینویسی از روابط یک کشور در سطح بین‌الملل یا روابط داخلی یک کشور که از دهه‌های پیش فراهم بوده است. در هر صورت رخداد‌های کوچکتر را نباید دست کم گرفت که می‌توانند کل بازی را برهم زنند. آیا به این فکر شده بود؟

همان قدر که نقطه‌زنی نظامی برای یک موشک مهم است نقطه‌زنی سیاسی آن نیز مهم و چه بسا مهمتر است. باید دید که آیا در آرش استراتژی بازدارندگی چه چیزی است؟ موشک، کمان قضای صلح است در کف مهار حکیمی که در پی بازدارندگی است. چو گاوای اسرائیلی در خواب خون می‌خرامد، افزودن یک بازی له بازی دیگر جنون گاوی‌اش را در سوسه حمله بیشتر می‌کند. آشکار است که کسی چنین نمی‌خواهد.

ما باید این نکته را بپذیریم که ورزش فوتبال درحال تبدیل شدن به یک استعمار است. در شرایط کنونی در پشت پرده فوتبال جهان مسائل سیاسی وجود دارد و در این مسأله که فیفا اجراکننده برنامه‌های سیاسی برخی از کشورهاست هیچ شکی وجود ندارد. به همین دلیل در شرایط کنونی فوتبال به ابزاری برای نوعی استعمار نرم تبدیل شده است. این استعمار دارای جنبه فکری و فرهنگی است

### طول سالیان اخیر با فروپاشی باورها و هنجارهای اخلاقی مواجه شده‌است؟

زمانی که طرح ورزش مکتبی در کشور مطرح شد هیچ‌گونه طرح جامعی برای این مسأله وجود نداشت. شاید اگر نریب جامعی برای این مسأله تهیه می‌شد به دستاورد‌هایی در دست پیدا می‌کردند. به عنوان مثال در آن مقطع زمانی عنوان می‌کردند که بازیکنان بالای ۲۷ سال نباید در تیم ملی حضور داشته باشند. این گونه مسائل نشان می‌دهد که طرح‌هایی که در آن زمان ارائه می‌شد بیشتر در راستای موج انقلاب و عاری از هرگونه دوراندیشی ارائه می‌شد. مسأله مهم دیگری که سبب افت باورهای اخلاقی در ورزش کشور شده نداشتن استراتژی فرهنگی برای ورزش است. بسیاری از مسئولان در گذشته گمان می‌کردند که ورزش تنها به برد و باخت در زمینه مسابقه خلاص می‌شود. بسیاری گمان می‌کردند مسائل فرهنگی در ورزش تنها به مدیحه‌سرایی در زمین ورزش و همچنین نصب پلاکاردها خلاص می‌شود. به همین دلیل نیز از تدوین استراتژی فرهنگی برای ورزش کشور غافل شدند. نکته دیگر اینکه ما به صورت کلی برای اداره جامعه استراتژی فرهنگی نداشتیم. در نتیجه هنگامی که جامعه از نظر فرهنگی دارای مشکلات مهمی است نمی‌توان ورزشگاه‌ها را جدا از جامعه در نظر گرفت و تنها مسائل فرهنگی ورزشگاه‌ها را مورد بررسی قرار داد.

### دلیل بی‌اخلاقی‌ها و پرخاشگری‌های تماشاگران چیست؟

دلیل اصلی این مسأله الگوبرداری تماشاگران از مربیان، بازیکنان و مسئولان ورزشی است که در برخورد با مسائل مختلف واکنش‌های متفاوتی از خود نشان می‌دهند. جمله به‌دور، تحقیر تیم حریف و مصاحبه‌های زنده مدیران ورزشی یکی از دلایل اصلی افزایش تنش‌ها و پرخاشگری‌ها در بین تماشاگران ورزش است. در مقطع کنونی استفاده از جنبه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی از ورزش دارای اهمیت است. این در حالی است که ما هنوز استفاده سیاسی کردن از ورزش را بلد نیستیم. از سوی دیگر اقتصاد ورزشی نیز در کشور ماتعتلیل است.

### برخی عنوان می‌کنند تماشاگران در ورزشگاه‌ها به صورت سازمان یافته علیه یا له کسی شعار می‌دهند؟ این موضوع به چه میزان با واقعیت همخوانی دارد؟

بله؛ برخی این بی‌اخلاقی‌ها هدایت شده و برنامه‌ریزی شده است. به نظر من حتی استفاده از الفاظ رکیک توسط برخی افراد در ورزشگاه‌ها نیز برنامه‌ریزی شده است. برخی عنوان می‌کنند باید اجازه داد که جوان خود را در ورزشگاه‌ها تخلیه روانی کند. این سخن به این معناست که جوان تنها هنگامی که در ورزشگاه حضور دارد از الفاظ رکیک استفاده می‌کند و هنگامی که ورزشگاه را ترک کرد دیگر از این الفاظ استفاده نمی‌کند. به نظر من این استدلال کاملاً نادرست است. بدون شک این بی‌اخلاقی‌ها به سطح جامعه نیز کشیده خواهد شد و یا اینکه رفتار فردی که در ورزشگاه بی‌اخلاقی می‌کند در قبل و بعد از ورود به ورزشگاه هیچ تغییری نمی‌کند. افراد شاخصی در ورزشگاه‌ها وجود دارند که به صورت برنامه‌ریزی شده و هدایت شده فحاشی‌ها و الفاظ رکیک را در ورزشگاه‌ها سازماندهی و مدیریت می‌کنند. برخی از مدیران و مربیان بقای خود را در تطمیع عده‌ای اوپاش می‌بینند. از سوی دیگر از این اوپاش‌ها برای تسویه حساب‌های شخصی و گروهی استفاده می‌کنند و یا تدوین برخی شعارها از آنها در مقاطع مختلف استفاده می‌کنند. من معتقدم بی‌اخلاقی‌های موجود در ورزشگاه‌ها به صورت برنامه‌ریزی است. این اتفاق با حرفه‌ای شدن فوتبال یعنی از ابتدای دهه ۸۰ شمسی تشدید شد.

ورزش در هیچ کجای جهان از سیاست جدا نیست. این وضعیت درباره جامعه، فرهنگ و اقتصاد نیز وجود دارد و ورزش با همه این زمینه‌ها به شکل‌های مختلف در ارتباط است. به همین دلیل سخن برخی که عنوان می‌کنند ورزش باید از سیاست جدا باشد دارای ابهام است. این افراد باید منظور خود را مشخص کنند که آیا سیاسیون نباید در ورزش حضور داشته باشند و یا اینکه سیاست نباید در ورزش دخالت داشته باشد